

مقایسه سبک‌های دفاعی و عاطفه خودآگاه شرم و گناه در انواع خودشیفتگی و مقایسه با افراد غیر خودشیفته

روشنک خدابخش پیرکلانی^۱ و الهه صفاپیان^{۲*}

چکیده

شواهد موجود حاکی از این است که خودشیفتگی نابهنجار دو فنوتیپ «خودبزرگ‌بین» و «آسیب‌پذیر» را شامل می‌شود. هدف از مطالعه حاضر، مقایسه سبک‌های دفاعی و عاطفه خودآگاه شرم و گناه در این دو نوع خودشیفتگی و مقایسه آن با افراد غیر خودشیفته است. ۳۵۰ دانشجوی (۲۳۰ دختر و ۱۲۰ پسر) به صورت نمونه‌گیری در دسترس از جامعه دانشجویان دانشگاه‌های تهران انتخاب شدند. بر اساس غربالگری به‌وسیله پرسشنامه خودشیفتگی آسیب‌شناختی، تعداد ۹۰ شرکت‌کننده انتخاب شده و در سه گروه ۳۰ نفره دارای رگه‌های خودشیفتگی خودبزرگ‌بین، خودشیفتگی آسیب‌پذیر و فاقد رگه‌های خودشیفتگی قرار گرفتند، و پرسشنامه سبک‌های دفاعی و مقیاس عاطفه خودآگاه را تکمیل کردند. داده‌ها به‌وسیله تحلیل واریانس چندراهه تحلیل شد. نتایج در خرده مقیاس شرم بین ۳ گروه تفاوت معنادار نشان داد، یعنی میانگین گروه آسیب‌پذیر در خرده مقیاس شرم از دو گروه دیگر به‌طور معنادار بیشتر بود. همچنین در خرده مقیاس‌های گناه و سبک‌های دفاعی رشدنا یافته و روان‌آزرده بین فنوتیپ‌های خودشیفتگی با گروه نابهنجار تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج، از نظریه‌ای که «احساس شرم را هسته اصلی احساسات در آسیب‌شناسی روانی خودشیفتگی می‌داند» حمایت کرد و نشان داد دو فنوتیپ خودشیفتگی، دو ابراز متفاوت از یک آسیب‌شناسی واحد هستند.

کلیدواژه‌ها: خودشیفتگی، خودشیفتگی آسیب‌پذیر، خودشیفتگی خودبزرگ‌بین، شرم، گناه، مکانیزم‌های دفاعی

۱. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران rkhodabakhsh@alzahra.ac.ir

۲. * نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

Elahe.safaeian@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸-۱۲-۱۳

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷-۱۰-۱۶

DOI: 10.22051/psy.2020.23089.1820

<https://psychstudies.alzahra.ac.ir/>

مقدمه

طی سال‌های اخیر مطالعات در زمینه خودشیفتگی بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، اما با وجود علاقه رو به افزایش به مفهوم خودشیفتگی، پرسش‌های بی پاسخ بسیاری به‌ویژه درباره ماهیت این سازه وجود دارد (میلر، لینام، هایات و کمپیل^۱، ۲۰۱۷). بررسی مطالعات بالینی در زمینه خودشیفتگی و آسیب‌شناسی شخصیت خودشیفته نشان می‌دهد که دو فنوتیپ خودشیفتگی یعنی خودشیفتگی خودبزرگ‌بین و خودشیفتگی آسیب‌پذیر وجود دارد. خودشیفتگی خودبزرگ‌بین نوعی از خودشیفتگی است که به‌عنوان نمونه نمادین خودشیفتگی شناخته شده است، که با صفاتی همچون داشتن تصویر مثبتی از خود در زمینه مهارت‌ها و قدرت، نمایشگری، احساس محق بودن، بهره‌کشی از دیگران (استوبر، شری و نیالیز^۲، ۲۰۱۵)، فقدان همدلی، اجتناب اجتماعی، پرخاشگری، شرم و احساس حقارت توصیف می‌شود (کارنا، دافنر و کلیفتون^۳، ۲۰۱۴). خودشیفتگی خودبزرگ‌بین اغلب آشکار و برای دیگران قابل مشاهده است. بر خلاف آن، نوع آسیب‌پذیر اغلب پنهان است و با مشخصه نیاز شدید به تأیید گرفتن، تحسین دیگران و حساسیت نسبت به طرد توصیف می‌شود. این افراد خودپنداره منفی دارند، و احساس ارزش خود در آن‌ها وابسته به تأیید دیگران است، و اگر آن را دریافت نکنند، دچار اجتناب اجتماعی و کناره‌گیری می‌شوند، و احساس شرم را تجربه می‌کنند (استوبر و همکاران، ۲۰۱۵).

در مطالعات، هیجان شرم به‌عنوان یک عاطفه مرکزی در اختلال شخصیت خودشیفته بیان شده است (ریتز، روش، شرودر، شواتز، لامرز و روپک^۴، ۲۰۱۴). هیجان‌های شرم و گناه، هر دو خودآگاه^۵ و به‌وسیله تأمل در خود و خودارزیابی برانگیخته می‌شوند. گرچه این تجارب هیجانی شبیه بهم به نظر می‌رسند، اما تانگ نی و دیرینگ^۶ (۲۰۰۲) آن‌ها را از هم متمایز ساخته‌اند و هان، دوهاچک و آگراوال^۷ (۲۰۱۴) به پژوهش آن‌ها استناد داده و این مطلب را تأیید کرده‌اند.

-
1. Miller, Lynam, Hyatt and Campbell
 2. Stoeber, Sherry and Nealis
 3. Czarna, Dufner and Clifton
 4. Ritter, Rusch, Schroder, Schutz, Lammers and Roepke.
 5. Self-conscious emotions
 6. Tangney and Dearing
 7. Han, Duhachek and Agrawal

احساس گناه به یک رفتار خاص و عواقب آن بر دیگران محدود می‌شود. در تجربه آن، تمرکز بر رفتاری است که فرد انجام داده است (تانگ نی، استیوینگ و مارتینز^۱، ۲۰۱۴)، برخلاف آن، شرم، هیجانی مستقیماً درباره خود است و خود را ارزیابی می‌کند و با احساس بی‌ارزشی و خوار شدن همراه است (تانگ نی و همکاران، ۲۰۱۴).

مکانیزم‌های دفاعی عامل دیگری است که می‌تواند دو فنوتیپ خودشیفتگی را از یکدیگر متمایز کند. یعنی این دو نوع خودشیفتگی می‌توانند بر اساس کارکرد دفاعی فرد به گونه‌های متفاوتی تظاهر یابند (زالپور، شهیدی، زرانی مظاهری، حیدری ۱۳۹۴). با مطرح شدن مکانیزم‌های دفاعی در ادبیات پژوهشی، تقسیم‌بندی‌های متفاوت و متعددی برای آن ارائه شده است. اندروز، سینگ و باند^۲ (۱۹۹۳) سه سبک دفاعی اصلی را بر مبنای ۲۰ سبک دفاعی مطرح شده توسط وایلان^۳، طبقه‌بندی کردند. این سبک‌ها عبارت‌اند از: سبک‌های دفاعی رشدیافته^۴، روان‌آزرده^۵ و رشدنا یافته^۶. افراد دارای ساختار خودشیفته طیف وسیعی از دفاع‌ها را استفاده می‌کنند، اما دفاع‌هایی که آن‌ها اساساً به آن وابسته هستند عبارت‌اند از: آرمانی‌سازی^۷ و نارزنده‌سازی^۸. این دو دفاع فرآیندهای مکمل هستند، زمانی که خود، ایده‌آل می‌شود، دیگران بی‌ارزش می‌شوند و برعکس (مک ویلیامز^۹، ۲۰۱۱). پری، پرسنیاک و اولسون^{۱۰} (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که افراد خودشیفته بیشتر از مکانیزم‌های دفاعی مجزاسازی^{۱۱} و نارزنده‌سازی استفاده می‌کنند. مطالعات بیشتر هم بر استفاده افراد خودشیفته از مکانیزم‌های دفاعی آرمانی‌سازی، نارزنده‌سازی، مجزاسازی، انکار^{۱۲}، دلیل‌تراشی^{۱۳}، خیال‌پردازی^{۱۴}،

-
1. Stuewing and Martinez
 2. Andrews, Singh and Bond
 3. Vaillant
 4. Mature
 5. Neurotic
 6. Immature
 7. Idealization
 8. Devaluation
 9. McWilliams
 10. Perry, Presniakan and Olson
 11. Splitting
 12. Denial
 13. Rationalization
 14. Fantasy

فراکنی^۱، تفرق^۲ و گذار به عمل^۳ تأکید می‌کنند، که همگی از سبک‌های دفاعی رشدنا یافته هستند (پری و همکاران، ۲۰۱۳). هوباند، داگان، مک‌کارتی و رابون^۴ (۲۰۱۴) نیز غلبه مکانیزم‌های دفاعی رشدنا یافته در افراد دارای اختلال شخصیت را تأیید کردند.

معرفی اولیه اختلال شخصیت خودشیفته در ویرایش سوم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۵ عمدتاً تحت تأثیر نظریه‌های روان تحلیل‌گری بود، که شرم را به عنوان هسته اصلی احساسات در آسیب‌شناسی روانی خودشیفتگی توصیف می‌کند. برای مثال، کوهات^۶ (۱۹۷۱، ۱۹۷۷) شرم را به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته بالینی در خودشیفتگی نابهنجار می‌داند (ریتر و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین تریسی و رابینز^۷ (۲۰۰۴) ادعا کردند که تجربه شرم (و نه احساس گناه) یک خصیصه مرکزی افراد خودشیفته است. پینکاس، آنسل، پیمنتل، کین، رایت و لوی^۸ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به همبستگی مثبت متوسطی بین شرم و خودشیفتگی نابهنجار در جمعیت بالینی دست یافتند (ریتر و همکاران، ۲۰۱۴). پژوهش‌های متعددی (تریسی و رابینز، ۲۰۰۴؛ مارتنز^۹، ۲۰۰۵؛ رونینگستام^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ پینکاس و لاکوویتسکی^{۱۱}، ۲۰۱۰؛ ریتر و همکاران، ۲۰۱۴) نشان داده، افراد خودشیفته بیشتر مستعد به شرم هستند تا گناه. از طرفی طبق مطالعه اخیر پالس، تورسویت، لوگو، اندراسن و سوترلین^{۱۲} (۲۰۱۸)، بین احساس شرم و فنوتیپ خودبزرگ‌بین همبستگی منفی وجود دارد، و در مطالعات پیشین (از جمله: فریس، بران، کارول و ارکین^{۱۳}، ۲۰۱۵) بین احساس شرم و فنوتیپ آسیب‌پذیر همبستگی مثبت وجود دارد، بنابراین، طبق نتایج متناقض موجود، بررسی شرم در فنوتیپ‌های

-
1. Projection
 2. Dissociation
 3. Acting-out
 4. Huband, duggan, mc carthy and rathbone
 5. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM III)
 6. kohut
 7. Tracy and Robins
 8. Pincus, Ansell, Pimentel, Cain, Wright and Levy
 9. Martens
 10. Ronningstam
 11. Lukowitsky
 12. Poless, torstveit, Lugo, Andreass and Sutterlin
 13. Freis. Brown. Carrolland Arkin

خودشیفتگی نیاز به مطالعه بیشتر دارد. پس هدف از این پژوهش بررسی سبک‌های دفاعی و عاطفه G خودآگاه شرم و گناه در انواع خودشیفتگی و مقایسه با افراد غیر خودشیفته است. طبق یافته‌های قربانی، واتسن، سالیمن و چن^۱ (۲۰۱۳) ماهیت خودشیفتگی در فرهنگ ایران و غرب متفاوت و ناهمگون است، و این مسأله اهمیت مطالعه بر اختلال خودشیفتگی در ایران را دوچندان می‌کند.

فرضیه‌های پژوهش عبارت هستند از:

۱. بین تجربه احساس شرم در گروه‌های دارای خودشیفتگی آسیب‌پذیر، دارای خودشیفتگی خودبزرگ‌بین و فاقد خودشیفتگی تفاوت وجود دارد.
۲. بین تجربه احساس گناه در گروه‌های دارای خودشیفتگی آسیب‌پذیر، دارای خودشیفتگی خودبزرگ‌بین و فاقد خودشیفتگی تفاوت وجود دارد.
۳. بین سبک‌های دفاعی مورد استفاده در گروه‌های دارای خودشیفتگی آسیب‌پذیر، دارای خودشیفتگی خودبزرگ‌بین و فاقد خودشیفتگی تفاوت وجود دارد.

روش

طرح مطالعه حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری آن کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه‌های تهران بودند. ۳۵۰ نفر شرکت‌کننده (۲۳۰ دختر و ۱۲۰ پسر) به شیوه نمونه‌گیری در دسترس از دانشگاه تهران، شهید بهشتی، الزهرا (س) و تربیت مدرس انتخاب شدند و پرسشنامه خودشیفتگی آسیب‌شناختی^۲ (پینکاس، آنسل، پیمتال، کاین، رایت، لوی، ۲۰۰۹)، را تکمیل کردند و براساس روش نمونه‌گیری هدفمند، بر مبنای ارزیابی این پرسشنامه، ۳۰ نفر دارای خودشیفتگی خودبزرگ‌بین، ۳۰ نفر دارای خودشیفتگی آسیب‌پذیر و ۳۰ نفر فاقد خودشیفتگی تشخیص داده شدند. به علاوه، شرکت‌کنندگان پرسشنامه سبک‌های دفاعی^۳ (اندروز و همکاران، ۱۹۹۳) و آزمون عاطفه خودآگاه^۴ (تانگ نی، ۱۹۸۹) را تکمیل کردند. این سه گروه از نظر متغیرهای سن، تحصیلات و جنسیت، هم‌تاسازی شده و در

1 Ghorbani, Watson, Salimian and Chen

2 Pathological Narcissism Inventory

3. Defense Style Questionnaire

4. Test of Self-conscious Affect

متغیرهای پژوهش مقایسه شدند. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS ویراست ۱۸ و تحلیل واریانس چند راهه (مانوا) تجزیه و تحلیل شد. از آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه دو به دوی گروه‌ها استفاده شد. ابزارهای سنجش پژوهش عبارت بودند از:

پرسشنامه خودشیفتگی آسیب‌شناختی (PNI): این مقیاس را پینکاس و همکاران (۲۰۰۹) برای توضیح کامل‌تر گونه‌های پدیداری خودشیفتگی آسیب‌شناسانه توسعه داده‌اند. پرسشنامه‌ای خودگزارشی و دارای ۵۲ گویه است، که بر بیان ناسازگارانه خودشیفتگی تمرکز داشته و دارای سنجش خودشیفتگی نابهنجار در دو بُعد خودبزرگ‌بین و آسیب‌پذیر است (توماس^۱، رایت و لاکوویتسکی، ۲۰۱۲). پاسخ‌ها روی مقیاس شش درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند، که در آن صفر معادل «اصلاً در مورد من درست نیست» و پنج معادل «کاملاً در مورد من درست است» در نظر گرفته شد (رایت، لاکوویتسکی و پینکاس، ۲۰۰۸). در پژوهش‌های مذکور آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های مقیاس در دامنه ۰/۹۳ - ۰/۷۸ و کل مقیاس ۰/۹۵ گزارش شده است. نقطه برش برای غربالگری افراد دارای خودشیفتگی، نمره یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین بود که بر اساس نظر سازندگان پرسشنامه به عنوان نمرات دارای افراستگی تلقی می‌شود (پینکاس و همکاران، ۲۰۰۹). پرسشنامه در ایران توسط سلیمانی، پاست، مولایی و محمدی (۱۳۹۴) ترجمه شده و روایی و پایایی آن در جمعیت ایرانی به تأیید رسیده است. در پژوهش ترشابی، رسول‌زاده طباطبائی، بشارت و عسگری (۱۳۹۵) آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های این پرسشنامه در دامنه بین ۰/۷۷ - ۰/۹۲ و برای نمره کل پرسشنامه ۰/۹۵ گزارش شد. اعتبار بازمایی مؤلفه‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۸۵ - ۰/۷۴ و برای نمره کلی ۰/۹۰ در سطح $p < ۰/۰۱$ معنادار محاسبه شد. پایایی کل آن هم ۰/۸۴ بود. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های این پرسشنامه در دامنه ۰/۷۲ - ۰/۹۰ و برای نمره کل پرسشنامه ۰/۹۳ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ-40): پرسشنامه سبک‌های دفاعی (اندروز و همکاران، ۱۹۹۳) مقیاسی خودگزارشی است که مکانیزم‌های دفاعی را بر اساس مفاهیم DSM-IV^۲

-
1. Thomas
 2. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders

بررسی می‌کند. این آزمون ۴۰ گویه‌ای که پاسخ‌هایش در یک مقیاس لیکرت ۹ درجه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف نمره‌گذاری می‌شود، ۲۰ نوع مکانیزم دفاعی را می‌سنجد (۲ گویه برای هر مکانیزم). مکانیزم‌های دفاعی در ۳ زیرگروه سازمان یافته‌اند، که اغلب آن‌ها را سبک‌های دفاعی می‌نامند (ژیوازیلیاس، کارازانوپولو، میتسوپولو^۱، ۲۰۱۷). بر اساس یافته‌های اندروز و همکاران (۱۹۹۳) سبک رشدیافته شامل مکانیزم‌های دفاعی فرونشانی^۲، والائی‌گرایی^۳، طنز^۴ و پیشاپیش‌گری^۵، سبک رشدنیافته شامل مکانیزم‌های دلیل تراشی، انکار، فرافکنی، تفرق، گذار به عمل، بدنی‌سازی^۶، خیال‌پردازی درخودمانده^۷، پرخاشگری منفعلانه^۸، مجزاسازی، جابه‌جایی^۹، نارزنده‌سازی و لایه‌سازی^{۱۰} و سبک دفاعی روان‌آزرده شامل مکانیزم‌های باطل‌سازی^{۱۱}، آرمانی‌سازی، واکنش وارونه^{۱۲} و نوع دوستی کاذب^{۱۳} است. حیدری نسب (۱۳۸۵) در نمونه‌های ایرانی این مقیاس را هنجاریابی کرد. همچنین در تحقیق حیدری نسب و شعیری (۱۳۹۰) اعتبار محتوا و همگرایی مقیاس با استفاده از جمع‌بندی نظر متخصصان و استفاده از آزمون نئو^{۱۴} بررسی شد. نتایج، اعتبار قابل قبولی را در نمونه‌های ایرانی نشان داد. و ضریب پایایی این مقیاس در دانشجویان ایرانی را ۰/۷۸ گزارش کرد.

مقیاس عاطف G خودآگاه (TOSCA-3): این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی برای سنجش ۴ عاطفه خودآگاه شامل آمادگی برای گناه^{۱۵} (۱۶ گویه)، آمادگی برای شرم^{۱۶} (۱۶

1. Giovazolias, karagiannopoulou and mitsopoulou
2. Suppression
3. Sublimation
4. Humor
5. Anticipation
6. Somatization
7. Autistic Fantasy
8. Passive aggressive
9. Displacement
10. Isolation
11. Undoing
12. Reaction Formation
13. Pseudo-Alturism
14. Neo
15. Guilt-proneness
16. Shame-proneness

گویه)، غرور آلفا و غرور بتا^۱ و ۲ سبک اسناد برونی‌سازی^۲ و بی‌تفاوتی^۳ است. این سازه شامل ۱۶ سناریو (۱۱ سناریو منفی و ۵ سناریو مثبت) است، هر سناریو شامل ۴ یا ۵ پاسخ متفاوت است، هر کدام یکی از ۶ عاطفه ذکر شده را منعکس می‌کند. پاسخ‌ها روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند، که از ۱ «هرگز» تا ۵ «به احتمال زیاد» درجه‌بندی شده است (یوجی^۴، ناگاتا^۵ و کیتامورا^۶، ۲۰۱۲). در مطالعه حاضر فقط از مقیاس‌های شرم و گناه استفاده شده است. در مطالعه تانگ نی، واگنر، هیل-بارلو، مارشال و گرامزوا^۷ (۱۹۹۶) آلفای کرونیخ مقیاس‌های شرم و گناه در جمعیت دانشجویان به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۸ گزارش شده است (تانگ نی و درینگ، ۲۰۰۲). روشن چسلی، عطری‌فرد، و نوری مقدم (۱۳۸۶) روایی و پایایی این مقیاس را در ایران سنجیدند، نتیجه مطالعه بیان‌کننده اعتبار و روایی مناسب دو خرده مقیاس آمادگی برای شرم ($\alpha=0/78$)، آمادگی برای گناه ($\alpha=0/64$) است. در مطالعه سعیدی، قربانی، سرافراز و شریفیان، (۱۳۹۲) آلفای کرونیخ مقیاس‌های شرم و گناه به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۸ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونیخ برای مقیاس‌های شرم و گناه به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۷۳ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱ اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای عواطف خودآگاه شرم و گناه و سبک‌های دفاعی را در نمونه بررسی شده نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
1. Alpha pride and Beta pride
 2. Externalization
 3. Detachment
 4. Uji
 5. Nagata
 6. Kitamura
 7. Wagner, Hill-Barlow, Marschall and Gramzow

جدول ۱: آمار توصیفی نمرات عواطف خودآگاه شرم و گناه و سبک‌های دفاعی با تفکیک گروه‌ها

متغیر	گروه‌های مورد مطالعه	میانگین	انحراف معیار
شرم	خودشیفته خودبزرگ‌بین	۲/۸۵	۰/۴۲۱
	خودشیفته آسیب‌پذیر	۳/۳۹	۰/۶۰۳
	غیر خودشیفته	۲/۴۶	۰/۵۹۴
	کل	۲/۹۰	۰/۶۶۲
گناه	خودشیفته خودبزرگ‌بین	۴/۰۱	۰/۳۹۱
	خودشیفته آسیب‌پذیر	۴/۰۰	۰/۵۲۰
	غیر خودشیفته	۳/۵۷	۰/۵۹۰
	کل	۳/۸۶	۰/۵۴۱
سبک دفاعی رشد‌نیافته	خودشیفته خودبزرگ‌بین	۵/۳۰	۰/۹۳۲
	خودشیفته آسیب‌پذیر	۵/۱۲	۰/۹۰۰
	غیر خودشیفته	۴/۱۷	۰/۷۱۴
	کل	۴/۸۶	۰/۹۸۰
سبک دفاعی رشدیافته	خودشیفته خودبزرگ‌بین	۵/۷۴	۱/۲۴۲
	خودشیفته آسیب‌پذیر	۵/۱۵	۱/۱۹۱
	غیر خودشیفته	۵/۲۷	۱/۱۳۵
	کل	۵/۳۸	۱/۲۰۵
سبک دفاعی روان‌آورده	خودشیفته خودبزرگ‌بین	۵/۵۹	۰/۸۱۰
	خودشیفته آسیب‌پذیر	۵/۵۲	۱/۲۹۳
	غیر خودشیفته	۴/۴۸	۱/۲۵۶
	کل	۵/۱۹	۱/۲۵۳

چنانکه در جدول (۲) آمده است، برای انجام تحلیل واریانس، ابتدا نرمال بودن و یکسانی متغیرهای وابسته از طریق آزمون لوین بررسی شد. با توجه به معنادار نبودن آزمون لوین در هیچ یک از خرده مقیاس‌ها، مفروضه تساوی خطای واریانس‌ها زیر سؤال نرفته و آزمون تحلیل واریانس چند متغیری قابل انجام بود.

جدول ۲: نتایج آزمون لوین بر خطای واریانس مؤلفه‌های وابسته

متغیرهای وابسته	F	df1	df2	سطح معناداری
شرم	۱/۵۴۱	۲	۸۷	۰/۲۲۰
گناه	۳/۰۷۸	۲	۸۷	۰/۰۵۱
سبک دفاعی رشدنیافته	۰/۹۲۷	۲	۸۷	۰/۴۰۰
سبک دفاعی رشدیافته	۰/۰۱۳	۲	۸۷	۰/۹۸۷
سبک دفاعی روان‌آزوده	۱/۰۲۷	۲	۸۷	۰/۳۶۲

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه میانگین سه گروه در خرده مقیاس‌های عاطفه خودآگاه شامل احساس شرم و گناه، در جدول (۳) آورده شده است. طبق جدول (۳)، بین سه گروه در خرده مقیاس‌های عاطفه خودآگاه شرم و گناه تفاوت معنادار وجود داشت.

جدول ۳: مقایسه سه گروه از نظر خرده مقیاس‌های پرسشنامه عاطفه خود آگاه

میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
شرم			
۲/۸۵	۰/۴۲۱	۲۲/۰۶۵	۰/۰۰۱
۳/۳۹	۰/۶۰۳		
۲/۴۶	۰/۵۹۴		
گناه			
۴/۰۱	۰/۳۹۱	۷/۳۲۰	۰/۰۰۱
۴/۰۰	۰/۵۲۰		
۳/۵۷	۰/۵۹۰		

برای مقایسه دو به دو گروه‌ها در خرده مقیاس‌های مذکور که حداقل بین دو گروه تفاوت معنادار وجود داشت، از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴) آمده است. بر این اساس، هر دو گروه دارای رگه‌های خودشیفته خودبزرگ‌بین و آسیب‌پذیر، به طرز معناداری بیش از افراد فاقد این رگه‌ها، احساس شرم و گناه را تجربه می‌کنند. میزان تجربه شرم در فنوتیپ آسیب‌پذیر بیشتر از فنوتیپ خودبزرگ‌بین بوده، اما در میزان تجربه احساس گناه بین این دو، تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه دو به دوی میانگین سه گروه در خرده مقیاس‌های پرسشنامه عاطفه خود آگاه

گروه‌ها	گروه‌ها	۱	۲	۳
شرم	خودشیفته خود بزرگ‌بین (۱)	۰/۰۰۱*	۰/۰۰۸**	۰/۰۰۱**
	خودشیفته آسیب‌پذیر (۲)	۰/۰۰۱**		۰/۰۰۱**
	غیر خودشیفته (۳)	۰/۰۰۸**	۰/۰۰۱**	
گناه	خودشیفته خود بزرگ‌بین (۱)	۰/۹۲۴	۰/۰۰۱**	۰/۰۰۱**
	خودشیفته آسیب‌پذیر (۲)	۰/۹۲۴		۰/۰۰۲**
	غیر خودشیفته (۳)	۰/۰۰۱**	۰/۰۰۲**	

** نشانگر معناداری در سطح کمتر از ۰,۰۵ است.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه میانگین سه گروه در خرده مقیاس‌های پرسشنامه سبک‌های دفاعی در جدول (۵) آمده است. همچنان که مشهود است، بین سه گروه در خرده مقیاس‌های سبک دفاعی رشدنا یافته و روان‌آزرده تفاوت معنادار وجود دارد، اما این تفاوت در خرده مقیاس سبک دفاعی رشدیافته بین سه گروه معنادار نبود.

جدول ۵: مقایسه سه گروه از نظر خرده مقیاس‌های پرسشنامه سبک‌های دفاعی

میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
سبک دفاعی رشدنا یافته			
۵/۳۰	۰/۹۳۲	۱۵/۰۶۶	۰/۰۰۱
۵/۱۲	۰/۹۰۰		
۴/۱۷	۰/۷۱۴		
سبک دفاعی رشدیافته			
۵/۷۴	۱/۲۴۲	۲/۰۸۹	۰/۱۳۰
۵/۱۵	۱/۱۹۱		
۵/۲۷	۱/۱۳۵		
سبک دفاعی روان‌آزرده			
۵/۵۹	۰/۸۸۰	۸/۶۰۰	۰/۰۰۱
۵/۵۲	۱/۲۹۳		
۴/۴۸	۱/۲۵۶		

برای مقایسه دو به دوی گروه‌ها در خرده مقیاس‌هایی که حداقل بین دو گروه تفاوت معنادار وجود داشت، از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد (جدول ۶). بر اساس جدول ۶، هر دو گروه با رگه‌های خودشیفته خودبزرگ‌بین و آسیب‌پذیر، به طرز معناداری بیش از افراد فاقد این رگه‌ها، از سبک‌های دفاعی رشدنیافته و روان‌آزرده استفاده می‌کنند. اما در میزان استفاده این افراد از سبک دفاعی رشدیافته، با گروه فاقد رگه‌های خودشیفتگی تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۶: سطح معناداری نتایج آزمون تعقیبی شفه از مقایسه دو به دوی میانگین سه گروه در خرده مقیاس‌های سبک‌های دفاعی

گروه‌ها	۱	۲	۳
(۱) خودشیفته خودبزرگ‌بین		۰/۴۳۰	۰/۰۰۱**
سبک دفاعی رشدنیافته	(۲) خودشیفته آسیب‌پذیر		۰/۰۰۱**
	(۳) غیر خودشیفته	۰/۰۰۱**	۰/۰۰۱**
(۱) خودشیفته خودبزرگ‌بین		۰/۸۱۳	۰/۰۰۱**
سبک دفاعی روان‌آزرده	(۲) خودشیفته آسیب‌پذیر		۰/۰۰۱**
	(۳) غیر خودشیفته	۰/۰۰۱**	۰/۰۰۱**

** نشانگر معناداری در سطح کمتر از ۰,۰۵ است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل، خودشیفتگان آسیب‌پذیر و خودبزرگ‌بین، در مقیاس‌های شرم، گناه و سبک‌های دفاعی رشدنیافته و روان‌آزرده با افراد فاقد خودشیفتگی دارای تفاوت معنادار بودند. این نتایج از یک سو حاکی از تفاوت میزان تجربه شرم و گناه و میزان استفاده از سبک‌های دفاعی رشدنیافته و روان‌آزرده در دارندگان خودشیفتگی و فاقد خودشیفتگی است، و از سوی دیگر حاکی از شباهت زیاد دو گروه دارای خودشیفتگی با یکدیگر است.

نتایج پژوهش حاضر در خصوص احساس شرم در خودشیفته‌ها همسو با نتایج پژوهش‌های پیشین (تریسی و رایبیز، ۲۰۰۴؛ بینکاس و همکاران، ۲۰۰۹؛ ریتز و همکاران، ۲۰۱۴) است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، همان‌طور که انتظار می‌رفت میزان تجربه احساس شرم در دارندگان خودشیفتگی بیشتر از افراد غیر خودشیفته، و تجربه شرم در افراد

دارای رگه‌های آسیب‌پذیر بیشتر از دارندگان رگه‌های خودبزرگ‌بین است. در دیدگاه کوهات، فرد خودشیفته به صورت آگاهانه دارای کیفیتی آسیب‌پذیر است، و در توصیف کرنبرگ^۱ خودشیفته، فردی است که خود واقعی را انکار کرده و بی‌پروا خودِ خودبزرگ‌بین را در آغوش می‌کشد، در نتیجه احتمالاً خود را بی‌شرم و آسیب‌ناپذیر نشان می‌دهد. اما در واقع هر دو نظر دو روی یک سکه هستند. بروسک^۲ (۱۹۸۲) می‌گوید شرم، عاطفه کلیدی است که تحلیل‌های کوهات و کرنبرگ را به هم پیوند می‌دهد.

در نتایج پژوهش حاضر، دارندگان خودشیفتگی احساس گناه بیشتری را از افراد غیر خودشیفته تجربه می‌کنند. این نتیجه با پژوهش‌های پیشین (ریتر و همکاران، ۲۰۱۳) همسو نیست. یکی از توجیه‌های احتمالی در تبیین آن، می‌تواند تأثیر عامل فرهنگ بر نتایج باشد. طبق یافته‌های قربانی، واتسن، سالیمان و چن (۲۰۱۳) ماهیت خودشیفتگی در فرهنگ ایران و غرب متفاوت و ناهمگون است. امکان دارد این تفاوت بر اساس معیارهای فردگرایی - جمع‌گرایی تبیین‌پذیر باشد. چرا که فردگرایی بر استقلال، آزادی، خودکامرواسازی، و بی‌همتایی تأکید دارد (قربانی و همکاران، ۲۰۱۳)، لذا احتمالاً ویژگی‌های خودشیفتگی در فرهنگ فردگرای غرب بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد، اما در فرهنگ‌های جمع‌گرا تأکید بر خودمحوری و نیازهای فردی محکوم به طرد است، پس خودشیفته‌ها در فرهنگ‌های جمع‌گرا مثل فرهنگ ایرانی احتمالاً احساس گناه بیشتری را تجربه خواهند کرد.

نتایج تفاوت سبک‌های دفاعی در افراد خودشیفته و افراد غیرخودشیفته، هم همسو با نتایج پژوهش‌های پری و همکاران (۲۰۰۵، ۲۰۱۳) و حیدری نسب (۱۳۸۵) است. همان‌طور که گذشت، تفاوت معناداری بین سبک‌های دفاعی غالب در دو گروه خودشیفته وجود نداشت، اما با توجه به حجم نمونه در پژوهش حاضر امکان بررسی زیرمقیاس‌های هر یک از سبک‌های دفاعی وجود نداشت. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی مکانیزم‌های دفاعی در این دو گروه خودشیفته بررسی و مقایسه شوند. زیرا در موقعیت‌های تهدیدکننده عزت نفس، به هنگام برهم خوردن تنظیم عواطف و در روابط بین فردی این دو گروه خودشیفته به شکلی متفاوت از هم رفتار می‌کنند (رونینگستام، ۲۰۰۵). یکی از عوامل تأثیرگذار بر این تفاوت

-
1. Kernberg
 2. Broucek

می‌تواند مکانیزم‌های دفاعی خود در آن‌ها باشد.

نتایج این پژوهش تا حدی نتایج قبلی را تأیید کردند، اما تفاوت در تجربه احساس گناه در افراد خودشیفته در فرهنگ ایرانی با فرهنگ غربی، تأمل‌برانگیز است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر فرهنگ بر ساختار و پدیدارشناسی خودشیفتگی بررسی شود. در نهایت، محدودیت‌های پژوهش حاضر در تفسیر یافته‌های آن نباید فراموش شود. نخست، عامل جنسیت در این مطالعه با توجه به حجم محدود نمونه لحاظ نشد. شایان ذکر است که گروه‌ها از نظر عامل جنسیت هم‌تا شدند، بنابراین، اثر جنسیت بر آن‌ها حذف شد. دوم، مطالعه حاضر بر مبنای غربالگری افراد با استفاده از تکمیل پرسشنامه و بر نمونه زیر آستانه بالینی انجام شد، لذا انجام پژوهش با استفاده از نمونه بالینی و با غربالگری افراد از طریق مصاحبه بالینی پیشنهاد می‌شود. سوم، با توجه به حجم محدود نمونه، مقایسه مکانیزم‌های دفاعی بین دو گروه خودبزرگ‌بین و آسیب‌پذیر میسر نشد، و تنها به مقایسه سبک‌های دفاعی بسنده شد، گرچه هر دو گروه سبک‌های دفاعی مشابهی را به کار می‌بردند، اما احتمالاً در استفاده از مکانیزم‌های دفاعی خصوصاً هنگامی که عزت نفس آن‌ها تهدید می‌شود، تفاوت‌هایی دارند، بنابراین، برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود مکانیزم‌های دفاعی در این دو گروه مورد مطالعه بیشتر قرار گیرند.

تقدیر و تشکر

با سپاس و امتنان از کلیه شرکت‌کنندگان این تحقیق که دقتشان باعث اعتبار این پژوهش بوده است.

منابع

- ترشابی، ملیحه، رسول‌زاده طباطبائی، سیدکاظم، بشارت، محمدعلی و عسگری، علی (۱۳۹۵). بررسی اعتبار و ساختار عاملی نسخه فارسی سیاهه خودشیفتگی آسیب‌شناختی، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۲۲(۶): ۱۳۴-۱۱۵.
- حیدری نسب، لایلا و شعیری، محمدرضا (۱۳۹۰). ساخت عاملی پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ-40) در نمونه‌های غیربالینی ایرانی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۲۱(۶): ۹۷-۷۷.

حیدری نسب، لیلا (۱۳۸۵). مقایسه مکانیزم‌های دفاعی در نمونه‌های بالینی و غیر بالینی بر اساس هنجاریابی و یافته‌های مبتنی بر روانسنجی پرسشنامه ایرانی سبک‌های دفاعی DSQ، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.

زالپور، خدیجه، شهیدی، شهریار، زرانی، فریبا، مظاهری، محمدعلی و حیدری، محمود (۱۳۹۴). همدلی و نحوه تنظیم هیجان شناختی در انواع خودشیفتگی. نشریه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، ۱۵(۱): ۶۱-۵۳.

روشن چسلی، رسول، عطری فرد، مهدیه و نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶). بررسی اعتبار و پایایی «سومین نسخه تجدید نظر شده مقیاس عاطفه خودآگاهی برای بزرگسالان» TOSCA-3. دانشور رفتار، ۲۵(۱۴): ۴۶-۳۱.

سعیدی، ضحی، قربانی، نیما، سرافراز، مهدی رضا و شریفیان، محمدحسین (۱۳۹۲). اثر القای شفقت خود و حرمت خود بر میزان تجربه شرم و گناه. مجله روان‌شناسی معاصر، ۸(۱): ۹۱-۱۰۲.

سلیمانی، مهدی، پاست، نگین، مولایی، مهری، محمدی، ابوالفضل، دشتی‌پور، معصومه، صفا، یاسمن و پینکاس، آیرون (۱۳۹۴). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودشیفتگی مرضی. مجله روان‌شناسی معاصر، ۱۰(۱): ۹۵-۱۱۰.

Andrews, G., Singh, M. and Bond, M. (1993). The Defense Style Questionnaire. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 181(4): 246-256.

Czarna, A.Z., Dufner, M. and Clifton, A.D. (2014). The effects of vulnerable and grandiose narcissism on liking-based and disliking-based centrality in social networks. *Journal of Research in Personality*, 50: 42- 45. DOI: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jrp.2014.02.004>

Freis, S. D., Brown, A. A., Carroll, P.J. and Arkin, R.M. (2015). Shame, Rage, and unsuccessful motivated reasoning in vulnerable narcissism. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 34 (10): 877- 895.

Ghorbani, N., Watson, P. J., Salimian, M. and Chen, Z. (2013). Shame and Guilt: Relationships of Self-Conscious Affect Measures with Psychological Adjustment and Gender Difference in Iran. *Interpersonal*, 7(1): 97- 109.

Giozoli, T., Karagiannopoulou, E. and Mitsopoulou, E. (2017). Can the Factor Structure of Defense Style Questionnaire (DSQ-40) contribute to our understanding of parental acceptance/rejection, bullying, victimization and perceived well-being in Greek early adolescents? *Europe's Journal of Psychology*, 13 (2): 269-285.

Han, D., Duhachek, A. and Agrawal, N. (2014). Emotions shape decisions through construal level: The case of guilt and shame. *Journal of Consumer Research*, 41

(4): 1047-1064.

- Heidarinasab, L. and Shairi, M.R. (2011). Factorial Structure of the Defense Style Questionnaire (DSQ-40), *Modern psychological research*, 21 (6): 77- 97 (Text in Persian).
- Heidarinasab, L. (2006). *The comparison of defense mechanisms in clinical and nonclinical samples based on normalization and psychometric properties of Iranian Defense Styles Questionnaire (DSQ)*. Doctor of Philosophy's thesis of Psychology, Tarbiat Modarres University (Text in Persian).
- Huband, N., Duggan, C., McCarthy, L. and Rathbone, G., (2014). Defence styles in a sample of forensic patients with personality disorder. *Personality and Mental Health*, 8 (3): 238- 249.
- Martens, W.H.J. (2005). Shame and narcissism: therapeutic relevance of conflicting dimensions of excessive self-esteem, pride, and pathological vulnerable self. *Annals of the American Psychotherapy Association*, 8(2): 10–17.
- McWilliams, N. (2011). *Psychoanalytic diagnosis: Understanding personality structure in the clinical process* (2nd ed.). New York, NY, US: Guilford Press.
- Miller, J.D., Lynam, D.R., Hyatt, C.S. and Campbell, W.K. (2017). Controversies in Narcissism, *Annual Reviews of Clinical Psychology*, 13(1): 1-25.
- Perry, J.C. and Bond, M. (2005). Defensive functioning in personality disorders. *In The American Psychiatric Publishing Textbook of Personality Disorders*. Oldham J, Skodol AE, Bender D, (eds.), Washington, D.C., American Psychiatric Press Inc., Chapter 33, pp. 589-609.
- Perry, J.C., Presniak, M.D. and Olson, T.R. (2013). Defence Mechanisms in Schizotypal, Borderline, Antisocial, and Narcissistic Personality Disorders. *Psychiatry*, 76 (1): 32-52.
- Pincus, A. L., Ansell, E. B., Pimentel, C. A., Cain, N. M., Wright, A. G. C. and Levy, K. N. (2009). The initial construction and validation of the Pathological Narcissism Inventory. *Psychological Assessment*, 21(1): 379-365.
- Pincus, A. L. and Lukowitsky, M.R. (2010). Pathological Narcissism and Narcissistic Personality Disorders. *Annual Review of Clinical Psychology*, 6: 421-446. DOI: 10.1146/annurev.clinpsy.121208.131215
- Ritter, K., Vater, A., Rusch, N., Schroder-Abe, M., Schutz, A. Fydrich, T., Lammers, C. and Roepke, S. (2013). Shame in patients with narcissistic personality disorder. *Psychiatry Research*, 215(2): 429-437.
- Roshan chelsi, R., Atrifard, M. and Noorimoghadam, S. (2007). An Investigation of Reliability and Validity of the Third Version of the Test of Self-conscious Affects (TOSCA-3), *Clinical Psychology & Personality* , 25 (14): 31- 46 (Text in Persian).
- Poless, P.G., Torstveit, L., Lugo, R.G., Andreassen, M. and Sutterlin, S. (2018). Guilt and Proneness to Shame: Unethical Behavior in Vulnerable and Grandiose

- Narcissism. *Europe's Journal of Psychology*, 14 (1): 28-43.
- Ronningstam, E.F., (2010). Narcissistic personality disorder: a current review. *Current Psychiatry Reports*, 12(1): 68-75.
- Saeedi, Z., Ghorbani, N., Sarafraz, M.R. and Sharifian, M.H. (2013). The effect of inducing self-compassion and self-esteem on the level of the experience of shame and guilt, *Contemporary Psychology*, 8 (1): 91- 102 (Text in Persian).
- Soleimani, M., Pasat, N., Molayi, M., Mohamadi, A., Dashtipour, M., Safa, Y. and Pincus, A. (2015). Psychometric properties of the Pathological Narcissism Inventory, *Contemporary Psychology*, 10 (1): 95- 110 (Text in Persian).
- Stoeber, J., Sherry, S.B. and Nealis, L. J. (2015). Multidimensional perfectionism and narcissism: Grandiose or vulnerable? *Personality and Individual Differences*, 80: 85-90. DOI: <http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2015.02.027>
- Tangney, J. P., Wagner, P. E., Hill-Barlow, D., Marschall, D. E. and Gramzow, R. (1996). Relation of shame and guilt to constructive versus destructive responses to anger across the lifespan. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70(4), 797-809.
- Tangney, J. P. and Dearing, R. L. (2002). *Shame and guilt*. New York: Guilford Press.
- Tangney, J. P., Stuewing, J. and Martinez, A.G. (2014). Two faces of shame: The roles of shame and guilt in predicting recidivism. *Psychological Science*, 25(3): 799-805.
- Thomas, K.M., Wright, A.G.C. and Lukowitsky, M.R. (2012). Evidence for the criterion validity and clinical utility of the Pathological Narcissism Inventory. *Assessment*, 19 (2): 135- 145.
- Torshabi, M., Rasoolzadehtabatabayi, S.K., Besharat, M. A. and Asgari, A. (2016). Investigation of reliability and Factor Structure of the Persian Version of Pathological Narcissism Inventory, *Educational Measurement*, 22 (6): 115- 134 (Text in Persian).
- Tracy, J.L. and Robins, R.W. (2004). Putting the self into self-conscious emotions: a theoretical model. *Psychology Inquiry*, 15(2): 103-125.
- Uji, M., Nagata, T. and Kitamura, T. (2012). Narcissism: Its function in modulating self-conscious emotions. *Bulletin of the Menninger*, 76 (3): 211-234.
- Wright, A.G.C., Lukowitsky, M.R. and Pincus, A.L. (2008). *The hierarchical factor structure of the pathological narcissism inventory (PNI)*. Presented at Annual Meeting of American Psychological Association, 116th: Boston.
- Zalpour, Kh., Shahidi, SH., Zarani, F., Mazaheri, M.A. and Heidari, M. (2015). Empathy and cognitive emotion regulation in phenotypes of narcissism, *Payesh*, 15 (1): 53- 61 (Text in Persian).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

**Comparing the Defense Styles and the Self-conscious Effect of
Shame and Guilt in Subtypes of Narcissism and Comparison
with Ordinary People**

Roshanak khodabakhsh Pirklany¹ and Elahe Safaeian*²

Abstract

Evidence suggests that pathological narcissism involves grandiose and vulnerable phenotypes. The purpose of this study was to compare the defensive styles and the self-conscious effects of shame and guilt in these two types of narcissism and compare it with ordinary people. A sample of 350 students (230 females and 120 males) were selected through a sampling from Tehran University students. According to the Pathological Narcissism Inventory screening, 90 students were selected and divided into three groups of grandiose narcissism, vulnerable narcissism and normal. Then they completed the Defense Styles Questionnaire and the Test of Self-conscious Affects. Data were analyzed using MANOVA. The results showed that there was a significant difference between the three groups in the shame subscale, and the mean score of the vulnerable group in the shame subscale is greater than the mean of the other two groups, and this difference is significant. Also there was a significant difference in the subscale of guilt between narcissistic phenotypes and the normal group. There is a significant difference in subscales of neurotic defense style and immature defense style between narcissistic phenotypes and the normal group. The results are in support of this theory, which describes the feeling of shame as the core of emotions in narcissistic psychopathology, and the results also suggest that

1. Associate Professor of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.
rkhodabakhsh@alzahra.ac.ir

2.* Corresponding Author: PhD student of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. elahe.safaeian@gmail.com

Submit Date: 2019-01-06

Accept Date: 2020-03-03

DOI: 10.22051/psy.2020.23089.1820

<https://psychstudies.alzahra.ac.ir/>

..... Psychological Studies Vol.15 , No.4, winter 2020

the two phenotypes of narcissism are two different expressions of a single pathology.

Keywords: *Defense mechanisms, grandiose narcissism, guilt, shame, vulnerable narcissism*

